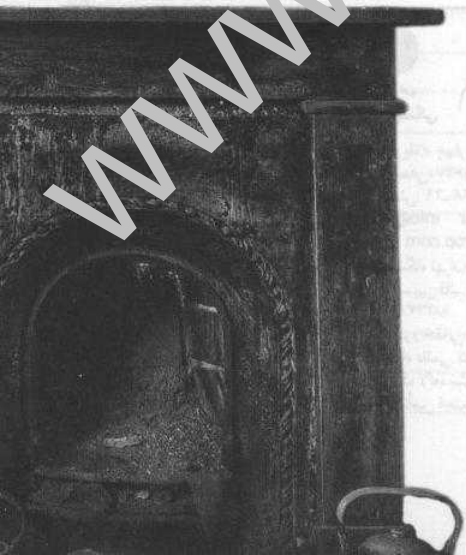


خاکسترهای گرم شومینه

صد سال شعر انگلیسی زبان

گردآوری و ترجمه: مرتضی پاشاپور



www.ketab.ir

سرشناسه: پاشاپور، مرتضی، ۱۳۶۳ - ، گردآورنده، مترجم
 عنوان و نام پدیدآور: خاکسترهای گرم شومینه / گردآوری و ترجمه: مرتضی پاشاپور؛ ویراستار: مرتضی زارعی.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: چهارده، ۸۰۷ ص.
 شابک: ۳-۲۳۶-۲۳۰-۹۷۸-۶۰۰-۹
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۸۰۲] - ۸۰۷
 موضوع: شعر انگلیسی — ترجمه‌شده به فارسی — مجموعه‌ها
 English Poetry — Translations into Persian — Collections
 موضوع: شعر فارسی — قرن ۱۴ — ترجمه‌شده از انگلیسی — مجموعه‌ها
 Persian poetry — 20th century — Translations from English — Collections
 موضوع: شاعران — سرگذشتنامه
 Poets — Biography
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
 Elmi - Farhangi Publishing Co.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۲ب۲ ۱۱۷۹/PR
 رده‌بندی دیویی: ۸۲۱/۰۰۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۹۲۸۴۶

خاکسترهای گرم شومینه

پنج سال شعر انگلیسی زبان

گردآوری و ترجمه: مرتضی پاشاپور

ویراستار: مرتضی زارعی

چاپ نخست: ۱۳۹۵

شماره ۱۴، نسخه ۱

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است



انتشارات
 علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک) - بوشهر

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن اداره: ۸۸۷۷۴۵۶۹

۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن مرکز پخش: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۷۵۴۲

آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

www.ketabgostar.com info@ketabgostar.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، رویه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶ - ۷

فروشگاه سه: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی

(نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه چهار: خیابان کارگر شمالی، رویه‌روی پارک لاله، نیش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه

محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

پیشگفتار..... نه

انگلستان..... ۱

توماس هاردی..... ۳

رود یارد کیپلینگ..... ۱۵

زیگفرید ساسون..... ۲۳

ادوین براک..... ۳۱

فیلیپ لارکین..... ۳۹

دنيس لورثف..... ۴۹

دی. اچ. لارنس..... ۶۵

تد هیوز..... ۷۹

رابرت گریوز..... ۹

دبلیو. اچ. اودن..... ۱۱

اسکاتلند و ولز..... ۱۱۷

آر. اس. تامس..... ۱۱۹

دیلن تامس..... ۱۳۳

کارول آن دافی..... ۱۴۱

ایرلند..... ۱۵۵

ویلیام باتلر ییتس..... ۱۵۷

شیموس هینی..... ۱۷۱

پاتریک کاواناگ..... ۱۸۹

درک ماهن..... ۲۰۱

لوئیس مک نیس..... ۲۱۱

ادپایک میلیگان..... ۲۱۷

ایوان بلند..... ۲۲۳

استیو بیا..... ۲۳۵

اسر. رتزن. هر. ون..... ۲۳۷

جودیت رایت..... ۲۴۷

اودگرو نونوس (کت وادر)..... ۲۵۵

نیوزیلند..... ۲۶۷

کاترین مانسفیلد..... ۲۶۹

جیمز کی بکستر..... ۲۷۹

سن لوسیا..... ۲۸۷

درک والکات..... ۲۸۹

امریکا..... ۳۰۳

رابرت فراست..... ۳۰۵

کارل سندبرگ..... ۳۰۹

ازرا پاوند..... ۳۳۹

والاس استیونس..... ۳۵۵

ویلیام کارلوس ویلیام..... ۳۷۱

تی اس الیوت..... ۳۸۷

کانتی کالین..... ۴۰۵

۴۱۱	لنگستون هیوز
۴۲۷	ای. ای. کامینگز
۴۴۳	دورتی پارکر
۴۵۱	رابرت هیدن
۴۶۱	مارین مور
۴۷۱	تئودور روتکه
۴۷۹	الیزابت بیشاپ
۴۸۹	سیلویا پلات
۵۰۵	اودن نش
۵۱۷	گ. ولین
۵۲۵	آن اسکاتون
۵۳۷	جیمز آدامز ریت
۵۵۱	چارلز بوکوفسکی
۵۶۳	آلن گینزبرگ
۵۷۳	لارنس فرلینگتی
۵۸۳	ریچارد براتیگان
۵۸۷	مایا آنجلو
۶۰۳	تد کوزر
۶۱۷	چارلز سیمیک
۶۳۵	آدرین ریچ
۶۵۱	شل سیلوراستاین
۶۵۹	بیلی کالینز
۶۶۱	مارک استرند
۶۶۷	گری اسنایدر
۷۱۳	نیکی جیووانی
۷۲۵	ریتا داو
۷۳۵	گری سوتو
۷۴۷	لوئیس گلاک
۷۵۷	نایومی شیهاب نای

۷۷۱ کانادا

۷۷۳ مارگارت اتوود

۷۸۷ پی. کی. پیج

۷۹۷ مایکل آنداتیا

۸۰۵ کتابنامه

www.ketab.ir

پیشگفتار

صد ساله اخیر بر جهان از تاریخ بشریت است که تغییرات آن با هیچ یک از دوران گذشته قابل قیاس نیست. در این قرن دیدگاه ما در تمامی زمینه‌ها چنان دستخوش برتری شد که انسان قرن بیستم را می‌توان به کلی از پیشینیانش متمایز نگاه داشت. اگر انسان در گذشته در طول عمرش تفاوت‌های اندکی را به چشم می‌دید در این برهه شاهد چنان تغییرات شگرفی شد که باور کردنش نیست. ما آنچه را قرن‌های متمادی ساخته بودیم کنار گذاشتیم و همه چیز را تا حدودی از نو بنا کردیم (اگرچه گام‌ها از پیش برداشته شده بود، اما در آن قرن نمود همه‌جانبه یافت).

ما در این قرن به کوچک‌ترین اجزای هستی راه یافتیم و بزرگ‌ترین ساختارهای کیهان را به تماشا نشستیم. فهمیدیم نه تنها اتم‌ها از ذرات کوچک‌تر ساخته شده‌اند بلکه آن ذرات نیز خود به ذرات کوچک‌تری قابل شکستن‌اند. ذرات متعدد و جدیدی کشف کردیم و ساختارشان استاندارد به وجود آوردیم که جای هر یک از ذرات در آن مشخص شده بود. فهمیدیم غیر از گرانش و الکترومغناطیس نیروهای دیگری هم در جهان نقش ایفا می‌کنند. مکانیک نیوتنی که قرن‌ها حاکم بر همه چیز بود ناگهان کلاسیک شد و دانستیم که در کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین ساحت‌ها راهی ندارد. نسبیت و کوانتوم پا به عرصه ظهور گذاشتند و

کوانتوم احتمال را وارد محاسبات فیزیکی ای کرد که تا پیش از آن، از همه چیز دقیق سخن می گفت. نسبیت و عدم قطعیت نگرشمان را به جهان عوض کردند.

ما در صد سال گذشته الکترونیک را به وجود آورده و گسترش دادیم، ترانزیستور و مدارهای مجتمع ساختیم و سیستم های هوشمندی پدید آوردیم که به انبوه قطعات مکانیکی نیازی نداشتند. توانستیم عدای یکدیگر را از فواصل دور بشنویم و بعد تصویر یکدیگر را ببینیم. ارتباطات گسترش یافت، ولی ابزارهای ارتباطی کوچک تر شدند. رادیو و تلویزیون اخبار و اطلاعات را با چنان سرعتی به مخاطبان خود رساندند که یادها هم اهمیتی هم وجود نداشتند که کسی از آن ها بی خبر باشد. اختراع کردیم و دیگر نحوه گردش اطلاعات نه در اختیار معدود که در دست همگان بود و همگان می توانستند اطلاعات و عقاید خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و از منابع متعدد آگاهی کسب کنند.

در قرن گذشته می بینیم که آسمان بالای سرمان نه فقط شامل ستاره های کهکشان راه شیری که شامل صدها میلیارد کهکشانی است که هر یک به طور متوسط صدها میلیارد ستاره در اندازه های خورشید خودمان و بلکه بزرگ تر از آن دارند. بهمیدانیم که کهکشان ها به سرعت از هم دور می شوند و کیهان در حال گسترش است. آنکه توقفی در کار باشد. فواصل و اندازه های مشاهده کردیم نه در تصور نمی گنجیدند. دانستیم بخش بزرگی از کیهانی که روبه رویمان قرار گرفته، (حدود ۹۶٪ آن) را نمی بینیم و از ماهیت آن آگاه نیستیم. کیهان در برابری و وسعتی بی اندازه یافت و ما خود را بر زمین ناچیزی دیدیم که با گسترش ارتباطات کوچک تر می شد. در نقطه ای از تاریخ علم گمان می کردیم همه چیز را می توانیم توضیح دهیم جز چند مسئله کوچک، اما در تلاش برای پاسخ به همان چند مسئله، از همان چند سوراخ کوچک وارد دنیاهایی عظیم شدیم و مسائل بسیار زیادی در برابری رخ نمود.

در سده اخیر پزشکی چنان پیشرفت کرد که انسان توانست با بیماری هایی که تا پیش از آن جان میلیون ها نفر را می گرفتند مقابله

کند. ما بدن خود را دقیق‌تر موشکافی کردیم. پی به ژن‌ها و روند وراثت بردیم و به مطالعه ژنوم خود و دیگر موجودات پرداختیم و گاه حتی در آن دست بردیم. حالا سیستمی پیش رویمان بود که کارکرد اجزا و نحوه شکل‌گیری و تکامل آن را به خوبی می‌شناختیم و می‌توانستیم در روند آن مداخله کنیم. در سده اخیر روانکاوی پا به میدان گذاشت و ما به تاریک‌ترین بخش وجودیمان راه یافتیم. روان‌شناسی و روان‌کاوی بر پایه‌ریزی دیدگاه‌های تازه در هنر نقش بسیار مؤثری داشتند چراکه نزدیک‌ترین شاخه علم بودند به هنر و ادبیات.

در تمام ابعاد زندگی، تغییرات گسترده و پرشتاب بود، و هرروزه ابزارها و وسایل تکنولوژیک جدیدی وارد زندگانی ما می‌شدند و همراه خود مفاهیم نوینی را ایجاد می‌کردند. در ابتدای همین قرن بود که آخرین امپراتوری زمین از محنة جهانی رخت بربست و نخستین حکومت توتالیتاریان به عرصه وجود گذاشت. حکومت‌هایی که با استفاده از همین پیشرفت تکنولوژی توان این را یافتند که مردم را هر چه بیشتر کنترل کرده و به خصوص ترین المروهایشان نفوذ کنند. نظام‌های ایدئولوژیکی که با داعیه گسترش آن به تمام سطوح جامعه به وجود آمده بودند بدل به هیولاهاى بوساخ و دمی شدند که دیگر می‌توانستند هر کسی را در هر نقطه از سطح زمین خود زیر ذره‌بین گرفته و تمامی حرکاتش را ثبت کنند. در دیکتاتورهای استبدادى فشار محدود به امر سیاسى و حکومت‌داری بود، اما در نظام‌هاى توتالیتار معاصر این ایدئولوژی حاکم بود که همه مناسبات زندگى را تعیین و با زور و ارعاب در جامعه پیاده‌سازی می‌کرد و کسی حق مخالفت با آن نداشت چرا که تنها راه سعادت بشر را فراهم آورده بود. مبارزى که پیش‌تر در مقابل خودکامگى یک فرد یا یک طبقه صورت می‌گرفت حال باید معطوف به از میان برداشتن و تضعیف اندیشه‌ای می‌شد که بر کل یک جامعه سیطره یافته بود. در جوامع دیگر نیز که به سمت دموکراسی در حال حرکت بودند مبارزه در جهت دستیابی به حقوق زنان، حقوق اقلیت‌ها و ... در قرن گذشته شتاب گرفت. شاید بتوان قرن پیش را قرن مبارزات سیاسى و اجتماعى نامید. تغییرات اجتماعى و

مبارزه برای تحقق خواسته‌های مردمی، وسیع و جهانی بود. مفاهیمی از جمله کودتا (به شکل نوین)، براندازی نرم و نافرمانی مدنی تنها بخشی از روش‌های تغییر ساختار سیاسی بودند و هستند که در این برهه از تاریخ شاهدشان بودیم.

در گستره علوم انسانی گرایش به سمت اتخاذ روش علمی و بررسی روشمند یک پدیده افزایش بی‌نظیری یافت. فلسفه خود را بیشتر به مردم نزدیک کرد و بر آن شد بیشتر در زندگی انسان نقش ایفا کند. اگرچه شاید از خلال همین نزدیکی نطفه برخی حکومت‌های هیولایی بسته شد. (۱) رویکردی که در دیگر شاخه‌های مطالعه انسان و جامعه انسانی پدیدار شده بود دیدگان ما را به ساحت‌های نادیده‌ای گشود که پیش از این نادیده مانده بودند و ما از دیدنشان ناتوان بودیم. زمینه‌های مطالعاتی متعددی پدید آمدند که ما را با جنبه‌های جهان‌شمولی از خویش آشنا کردند. ما دانستیم که به رغم تفاوت‌های ظاهری چشمگیر اشتراکات فراوانی با یکدیگر داریم. اشتراکاتی که ما را به ایجاد جامعه‌ای جهانی و تلاش برای هدفی بهر و بیشتر سوق می‌داد.

در چنین وضعیتی هرگز تصور تغییر در انسان پس از دوران روشنگری، انسانی که نگاهش را از آسمان به زمین برگردانده بود نیازمند نخله‌های هنری‌ای بود ملهم از تخیلاتی که مشاهده‌شان می‌کرد تا جوابگوی او در عصر مدرن باشند. ما ده جنگ جهانی را پشت سر گذاشتیم و میزان کشته‌ها و خرابی‌های آن‌ها باورناپذیر بود. هرگز گمان نمی‌کردیم در جهان پس از دوران روشنگری و انقلاب شاهد چنین رویدادهایی باشیم. از این رو، نیازمند هنری دیگر می‌بودیم. در این جهان شتابناک، مکاتب و نخله‌های مدرنیستی پدید آمدند و با حرکت انسان به سوی دنیای پست‌مدرنیستی جای خود را به رزیدان پست‌مدرن خود دادند. انسان نیمه دوم قرن بیستم در طول حیات خود چیزهایی می‌دید که تا پیش از آن به هیچ وجه در تصورش نمی‌گنجید و برای آنچه می‌دید دیگر نمی‌توانست از دیدگاه‌های گذشتگان پیروی کند. هم از این رو نیازمند در افکندن طرحی نو بود.

هنرها - به خصوص موسیقی و ادبیات - تسلی‌بخش انسان‌اند در

مواجهه‌اش با جهان پر تلاطم بیرون و دنیای پر اضطراب درون، خود از وضعیت انسان متأثر می‌شوند و در عین حال بر وضعیت انسان تأثیر می‌گذارند. ارتباطی دوسویه که نتیجه در جهان‌بودگی^۱ انسان است. از این رو، ادبیات به طور کل و شعر به طور خاص در این دوران با دگرگونی‌های وسیعی در صورت و معنا روبه‌رو شدند. آنچه امروزه ما شعر می‌نامیم با گذشتگانمان تفاوت چشمگیری دارد (اگر نگوییم به کلی یز دیگری است). زبان و فرم و ساختار، و معنا همراه با نگرشمان به جهان و زندگی دستخوش تغییر شده‌اند. نویسندگان و شاعران بسیاری در تکاپو، ای بیان درک خود از جهان واقع و در تلاش مستمر برای نگاه به حیرات‌آلود، نحله‌های گوناگونی پدید آوردند. بررسی ادبیات صد ساله اخیر می‌تواند نزدیک ما را با سیر نگرش انسان در عصر گذشته به خوبی آشنا کند. مجموعه پیش رو نیز تلاشی است در همین راستا، تلاش برای تعقیب این دگرگونی، گرچه در حوزه‌ای محدود به شعر و البته نه شعر همه جهان، بلکه در کشورهای انگلیسی‌زبان، امید است که با مجموعه‌های آتی چنان بررسی‌ای را در حوزه شعر جهان کامل شود. با اینکه نمی‌توان ادعا کرد این مجموعه همه جریان‌های شعری کشورهای انگلیسی‌زبان را در خود دارد اما، آن بوده که مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاعران را نمایندگی کند. آنتالوژی‌ها تا حدودی متأثر از سلیقه گردآورندگان خود هستند و این مجموعه نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود. علاوه بر شعرها، معرفی‌ای هرچند کوتاه از هر شاعر و دیدگاه‌هایش به دست داده شده تا خوانندگان گرمی با نقاط عطف و جریان‌های شعری رایج نیز آشنا شوند. همواره بر این بودم که تنها خواندن شعرهای یک شاعر نمی‌تواند چنان که باید معرف باشد. در گزینش شعرها سعی شده جنبه‌های مختلفی در نظر گرفته شود و حتی‌المقدور غالب شعرهای شاعران مورد بررسی قرار گیرد و صرفاً به شعرهای منتخب آن‌ها در آنتالوژی‌ها اکتفا نشود. بر همین اساس با تلاش بسیار مجموعه شعرها یا گزیده شعرهای اکثر شاعران گردآوری شد

(تا هم شعرهای بیشتری مورد بررسی قرار گیرد و هم مرجعشان قابل دفاع باشد.) در نگارش معرفی‌ها نیز به مجموعه‌مقالات و مصاحبه‌ شاعران رجوع شده تا به بیان تاریخی اجمالی از زندگی شاعران بسنده نشود. در تهیه مجموعه پیش رو به کرات از نگاه موشکافانه دوست ارجمندم آقای مرتضی زارعی بهره بردم که به رغم مشکلاتی که داشتند، مقابله و ویراستاری ترجمه شعرها را بر عهده گرفتند که صمیمانه از ایشان سپاسگزارم. از جناب احمد پوری که همواره راهنمایی‌های بی‌دریغشان شامل حال بنده بوده است نیز نهایت سپاس را دارم.